



• سرمقاله

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. رسالت خاتم الانبیاء ﷺ فرازمانی و فرامکانی است. «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا». این مطلب که از قبول اصل خاتمیت حضرتش نشأت می‌گیرد، یکی از مسلمات تمام اهل قبله است.

در کنار آن یکی دیگر از همین مسلمات، آن است که کتاب آسمانی سترگی که آن گرامی برای بشر آورده و نیز کلمات حکمتی که آن بزرگ به آدمیان هدیه داده، همه به زبان عربی است.

۲. اختلاف زبانهای مردم نیز واقعیتی است آشکار که خدای حکیم، آن را یکی از آیات خود اعلام فرمود «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِكُمْ». روشن است که مردمی که عرب زبان نیستند، از فهم حقایق و حیانی که رسول خاتم آورده، محروم می‌مانند، مگر اینکه آن را از زبان مبدأ (عربی) به زبان مقصد (زبان مخاطب) ترجمه کنند، یعنی انتقال دهند.

۳. ضرورت انتقال، تنها در انتقال از زبانی به زبان دیگری نیست؛ بلکه اختلاف افق فهم مخاطبان، حتی در همان زبان مبدأ نیز اقتضا می‌کند که چنان حقایقی با توضیح و تبیین درخور به مخاطب برسد. این تفسیر و تبیین، روی دیگر سکه ترجمه است.

به هر حال، با ورود هر مخاطب جدید به جمع مخاطبان این پیام فرازمانی-فرامکانی، بلکه هر نیاز جدید برای پاسخ گرفتن به پرسش‌های نوپدید، ضرورت ترجمه و تبیین و تفسیر برای یک یک آن پیامهای آسمانی رخ می‌نماید. از این بایسته گریز و گزیری نیست.

۴. این تبیین‌ها و تفسیرها و ترجمه‌ها، فرصتی پدید می‌آورد که آن پیامهای وحیانی در جامهٔ زبانها و بیانهای دیگری رخ نمایند و راه به آدمیان نشان دهند و در حالات مختلف دست افراد بشر را بگیرند. در این فرآیند، نه یک فرصت، بلکه فرصتها پدید می‌آید که نادیده گرفتن آن نه معقول است، نه مقبول.

بدین روی، پیروان این دین باید هرگونه مجالی را که در این زمینه پیش می‌آید، مغتنم بدانند و میدانی دیگر به شمار آورند که در آن میدان و مجال، بار دیگر فرصت تبلیغ آن حقایق پیش آید.

۵. اما در کنار همین فرصت‌ها، تهدیدی بلکه تهدیدهایی نیز رخ می‌نماید. و آن این است که در هرگونه "نقل مطلب، از زبانی به زبان دیگر و از بیانی به بیان دیگر" امکان تغییر محتوا، به عمد یا سهو، طبیعی است. بدین روی، هر چه نقل و انتقال‌ها بیشتر باشد، پیام آسمانی وحی بیشتر در معرض خطر تغییر و تبدیل‌های خواسته یا ناخواسته قرار می‌گیرد.

این نیز واقعیتی است که نمی‌توان نادیده گرفت یا از آن گریخت. دانشورانی که در خلال سده‌های گذشته ترجمهٔ قرآن را حرام می‌دانستند، به همین خطر توجه داشتند؛ اما ضرورت اجتماعی یادشده برای رویکرد غلبه کرد و عملاً از قرن چهارم بدین سوی، انواع ترجمه‌های قرآن، ابتدا به زبان فارسی و سپس به زبانهای دیگر انجام شد و گسترش یافت.

۶. یکی از احتمالات جدی که در مورد تحریف کتابهای آسمانی پیشین مطرح می‌شود، با همین واقعیت پیوند دارد. یعنی نشر و گسترش ترجمه‌های عهدین و بی‌توجهی به اصل آن کتابهای آسمانی. طبعاً از یک سوی، فهم مترجمان و مفسران از یک کلام، تفاوت دارد. و از سوی دیگر، هریک از آنان برای بیان آنچه فهمیده است، واژگانی خاص خود به کار می‌گیرد. اختلاف این بیانیها در غیاب متن اصلی راه را بر تحریف عهدین گشود. البته این مطلب علل و عوامل دیگر نیز دارد که این مختصراً سربیان آن علل و عوامل نیست.

۷. این چگونگی‌ها وقتی در فضای گستردهٔ حدیث گام می‌نهد، چه از ناحیهٔ فرصت و چه از ناحیهٔ تهدید، "آن چنان را آن چنان ترمی‌کند". به این نکته دقت شود که فضای نزول آیات قرآن، محدود به مکه و مدینه بود؛ ولی فضای نقل اصل کلام معصومان، فضایی گسترده داشت، که دستکم مناطق مختلف عراق و خراسان را نیز دربرمی‌گیرد. در اینجا، اختلاف



لهجه‌ها و تفاوت معانی واژه‌ها در آن لهجه‌های گوناگون نیز، عاملی دیگر می‌شود که فهم اصل کلام را دشوارتر می‌کند.

ادامه گفت و گوی ما در این قلم انداز در باب ترجمه احادیث خواهد بود، از آن روی که در باره ترجمه قرآن بسیار سخن گفته‌اند و بعلاوه این شماره سفینه، ویژه پژوهش‌های حدیثی است.

۸. جای آن دارد که همین جا، به عاملی دیگر اشاره شود. پیدایی و گسترش حکومت حاکمانی که همه به نام دین و با لوای پیامبر به صحنه می‌آیند. اینان، هر چه بودند، اهل عدالت یا ستم پیشه، در هر حال، آیات کتاب و کلمات سنت را به گونه‌ای تبیین می‌کردند که دستکم با خواسته‌هایشان تضادی نشان ندهد، وگرنه آنجا که پای تحریف‌های عمدی و جهت‌گیری شده باز می‌شود، مصیبتی پیش می‌آید که هزار بار بدتر از انکار منکران است. آنگاه این بیان چون از حربه قدرت کمک می‌گیرد، راه را بر تفسیرهای دیگر یا بر تصحیح خطاهای عمدی آنها می‌بندد و غمنامه‌هایی پیش می‌آید. تاریخ حیات فرهنگی مسلمانان در جای جای اقلیم قبله سرشار از این نمونه‌های تفسیر به رأی است.

۹. آنچه بیان شد، ترسیم فضایی است که از آن گریز و گزیری نیست. حال چه باید کرد؟ از یک سوی، ترجمه احادیث ضرورت دارد و از سوی دیگر، مشکلاتی در پی دارد.

اینجاست که تدوین شاخص‌هایی برای فهم ترجمه‌ها و تفسیرهای درست از نادرست ضرورت می‌یابد. برای آزمون و جداسازی انواع تفسیرهای فلسفی، عرفانی، سیاسی، یا بدفهمی‌های سهوی، تدوین چنین شاخص‌هایی لازم است، تا حق طلبان بتوانند آن بیانه‌ها را با آن گونه شاخص‌ها محک بزنند؛ مبدا به نام دین در راه‌هایی گام زنند که صد درجه از کفر و انکار بدتر باشد.

اگر محکمه‌ای نباشد، راهزنان را چگونه باید شناخت؟ و اگر ضابطه‌ای در میان نباشد، خرید و فروش درست را از نادرست چگونه می‌توان تمییز داد؟

۱۰. در میان احادیث امامان معصوم علیهم‌السلام، به احادیثی برمی‌خوریم که این مهم را عهده دار بوده است؛ که بخشی از آنها را محدث نام آور، جناب صدوق در کتاب سترگ "معانی الاخبار" گرد آورده است. اما در خلال هزاران حدیث دیگر که بطور آشکار به این موضوع

نپرداخته است، نکاتی که شایسته عنوان «محک جداسازی سره از ناسره» باشد، کم نیست. پژوهشگران عرصه حدیث برخی از آنها را مانند «خانواده حدیثی» به شکل قاعده و قانون شناسایی و عرضه کرده اند، اما هنوز هزار راه نرفته باقی است. افزون بر آن، بروز شبهات جدید از سوی شبهه افکنان، گسترش میدان پژوهش در باره متون شیعی در سطح جهان، پیدایش رویکردهای جدید در تبیین احادیث، و عواملی مانند آن، کارشناسان را به این ضرورت می‌رساند که در تدوین و تبیین این گونه قواعد و شاخص‌ها، بیشتر بکوشند.

۱۱. این تلاشها، بخشی از گامهای اجرایی عرصه «درایة الحدیث» است که از نخستین روزهای نبوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در کنار «روایة الحدیث» مطرح بوده و همچنان مطرح است، چنانکه در کلام راهگشای امام معصوم علیه السلام، یک حدیث را که با درایت بیان شود، بالاتراز هزار حدیث دانسته اند که در آن فقط به روایت بسنده شود.

فرا تراز این بیان معصوم که وظیفه ای بردوش حدیث پژوهان می‌نهد، در همین سطور مختصر، دیدیم که ضرورت این مهم، به لحاظ تحول‌های اجتماعی چه اندازه جدی است. ۱۲. در این زمینه بسیار باید گفت. تا زمانی که باب تحریف‌های عمدی و تغییرهای سهوی در عرصه ترجمه و تبیین حدیث گشوده است، باید در باب شاخص‌ها و محک زدن‌ها سخن گفت و این میدان گفت و گورا زنده و گرم نگاه داشت.

در این بایسته نیز، همچون موارد دیگر، تنها به استان کرم حضرت خاتم الاوصیاء عجل الله فرجه چشم امید دوخته ایم تا به مدد عنایت آسمانی اش راه را از کژراهه‌ها باز شناسیم. در این زمان دشوار، اوست مصداق این حدیث شریف که «فَإِنَّ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا يَنْقُوْنَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِيْنَ وَانْتِحَالَ الْمُبْطِلِيْنَ وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِيْنَ». (بصائر الدرجات ص ۱۰ و ۱۱).

دست استمداد به سوی حضرتش می‌گشاییم و به آستان اسمان سای آن امام نور توسل می‌جوییم تا از چنین ورطه‌های هلاک و سقوط در امان بمانیم.